

## مصرف دخانیات در ایران عصر صفوی

همایون نوری پناه<sup>۱</sup>

### مقدمه

شواهد به دست آمده از متون تاریخ بشری، بیشتر متکی بر تولد، حیات، اقدامات مهم و مرگ بزرگانی است که در تاریخ به عنوان شاهزادگان، پادشاهان، متنفذین، سیاستمداران، ادباء هنرمندان یا سرداران جنگی شناخته می‌شوند. به عنوان مثال در شرح جنگ چالداران در دوره صفویه، غالب تاریخ‌نگاران به ذکر فرماندهی شاه اسماعیل صفوی و سران قزلباش، آرایش نظامی ایجاد شده در دو سپاه توسط سرداران عالی نظامی، ذکر دلایل شکست نظامی شاه اسماعیل از قوای عثمانی و پیامدهای این شکست اکتفا می‌کنند. زمانی که یک مورخ می‌کوشد از مجاهدت‌های فراوان سپاهیان ایران برای کسب پیروزی در این نبرد حساس یاد کند، غالباً با ذکر سریع و گذرا از این بخش تاریخ‌نگاری صرف نظر می‌کند. اما برای هر محقق تاریخ، لحظه‌ای فرا می‌رسد که با تماشای قطعه‌ای تاریخی که در موزه به امانت نهاده شده است، می‌اندیشد که این وسیله متعلق به چه کسی بوده است؟ او در چه دوران از گستره پهنای تاریخ می‌زیسته؟ کاربردهای دقیق این ابزار در نزد وی چگونه بوده است؟ او کاربرد وسیله را از چه کسی آموخته یا سازندگان این قطعه چه کسانی بوده‌اند و در چه منطقه‌ای می‌زیسته‌اند؟

برای پاسخ به این سؤالات و صدها پرسش از این دست که در ذهن محققان تاریخ خودنمایی می‌کند، نیازمند تاریخ‌نگاری هستیم که بیش از پیش به حیات طبقه عادی جامعه مورد نظر خود، دقت داشته باشد. این‌گونه مطالعات در باب آداب و رسوم، خرافات، جنبه‌های مثبت یا منفی زندگی اجتماعی ایرانیان، مراسم مختلف مذهبی طبقات عادی جامعه و نحوه گذران زندگی یا حتی آداب و رسوم مربوط به مرگ ایرانیان

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، واحد بین‌الملل دانشگاه شیراز

در مناطق مختلف، چندی است که از طرف نسل جدیدتر تاریخ پژوهان ایران، مورد توجه واقع شده است. این خلأها به وسیله مطالعات میان رشته‌ای و مدد گرفتن از علوم اجتماعی پر می‌شود؛ خاصه رشته جامعه‌شناسی، نقش مهمی در چنین مطالعاتی ایفا می‌کند. در دانش جامعه‌شناسی از روش‌های متنوعی استفاده می‌شود. در این وادی جامعه به اجزاء و بخش‌های گوناگونی تقسیم شده و با مفهوم‌سازی جهت تبیین هر چه بهتر امور، عمل می‌شود. مفهوم‌سازی در جامعه‌شناسی این امکان را می‌دهد که جامعه به مثابه یک سیستم در نظر گرفته شود؛ سیستمی که از اجزاء مختلفی تشکیل شده است. شناخت جامعه مستلزم درک توأمان سیستم و اجزاء و کارکردهای آن اجزاء است. پژوهشگر تاریخ می‌تواند به طور نسبی اجزاء جامعه فعلی را برای جامعه‌های گذشته در نظر گیرد و به جست و جوی این اجزاء در منابع بپردازد تا نقش و کارکردشان را در ادوار مختلف ایضاح کند. چنین مهمی تحت مطالعات میان رشته‌ای جامعه‌شناسی تاریخی صورت می‌پذیرد. روش «افزایش عرض تاریخ» یکی از نقطه‌های پیوند جامعه‌شناسی و تاریخ است که این فرصت را در اختیار ما قرار می‌دهد تا توجه خود را به دوره‌ای خاص از تاریخ معطوف کنیم و با استفاده از چارچوب‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسی به سراغ مصادیق آن‌ها در دوره مورد نظر برویم و با چنین شیوه‌ای بر اطلاع و فهم خود از آن دوره بیفزاییم. مقاله پیش رو، از چنین اسلوبی پیروی می‌کند.

به صورت کلی، تحقیق پیش رو می‌کوشد دو جنبه منفی و آسیب‌رسان به حیات اجتماعی ایرانیان عصر صفوی، یعنی توتون و مواد مخدر را مورد بررسی قرار دهد، تا از این رهگذر، مددی رسانده باشد به نمایانده شدن بخش مهمی از حیات ایرانیان در دوره صفویه. دلیل انتخاب این دوره خاص از تاریخ ایران، اهمیت فراوان این دوره، و تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم آن روی زندگی ایرانیان در دوره‌های بعد است.

حجم وسیع تحقیقات مختلفی که روی این دوره خاص تاریخ ایران توسط محققین ایرانی چون نصرالله فلسفی، احسان اشرفی، منصور صفت گل، رسول جعفریان، مریم میر احمدی، و مستشرقین غالباً اروپایی چون والتر هینتس، لارنس لاکهارت و ویلم فلور صورت گرفته، نماینده اهمیت این دوره تاریخی است؛ همچنین به دلیل اهمیت ایران برای اروپاییان (که غالباً برای مقابله با قدرت روز افزون امپراطوری عثمانی و دفع حملات عثمانی‌ها به مناطق اروپایی‌نشین، حامی و پناهی بهتر از دربار صفوی پیدا نمی‌کردند) تقریباً می‌توان گفت که در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران، شاهد این حجم از منابع سفرنامه‌ای نگارش یافته توسط اروپاییان نیستیم. همین منابع راه را برای نگارش آثار تحقیقی در باب حیات اجتماعی ایرانیان این دوره فراهم آورده است. امید است که این تحقیق با جمع‌آوری این منابع و سایر منابع تاریخ اجتماعی در این دوره، بتواند راه را برای مطالعه روی حیات اجتماعی ایرانیان، چه در این دوره تاریخی خاص و چه در دوره‌های بعد، فراهم آورد.

### تنباکو و لوازم تدخین

تنباکو گیاهی است که زیستگاه اصلی آن در قاره آمریکا است. بومیان آمریکا از زمان‌های بسیار دور کاربرد این گیاه را می‌دانسته‌اند. این گیاه در آن سرزمین دارای جنبه عقیدتی بوده و در جشن‌ها و هنگام

بستن قرارداد صلح، کاربرد داشته است. راه‌های مصرف آن نزد بومیان به سه صورت بوده: سوزاندن و استعمال دود، کوبیدن و به بینی کشیدن گرد یا جودن (کسروی، ۱۳۳۵: ۳). آشنایی جهانیان با این گیاه به واسطه اکتشاف این سرزمین توسط کریستیف کلمب در سده پانزدهم میلادی بوده است. (پورداد، ۱۳۸۰: ۱۹۰)

در سده شانزدهم میلادی، سیگار کشیدن در اسپانیا، پرتغال، انگلستان، هلند و ایتالیا رواج یافت و در ابتدای قرن هفدهم در قسطنطنیه و مصر و هند کم و بیش شناخته شده بود. (همان: ۱۹۶) شوالیه شاردن، از برجسته‌ترین تاجران اروپایی که از شرق زمین دیدن کرده بود، معتقد است استعمال تنباکو در حدود عثمانی از زمان آغاز سلطنت سلطان احمد خان (۱۰۱۲ هجری قمری) مرسوم شده است (شاردن، ۱۳۳۵: ۳۴۳). آدام اولتاریوس، جهانگرد اروپایی که در زمان سلطنت شاه صفی از ایران بازدید کرده بود، معتقد است هیچ قوم و ملتی به اندازه روس‌ها به استعمال تنباکو علاقه ندارند (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۲۶۹). البته مورخان معاصر، غالباً احتمال آشنایی ایرانیان با تنباکو از سوی شمال را منکر شده‌اند. احتمالاً ورود تنباکو به ایران از سمت جنوب بوده است. در سال ۹۲۰ ه. ق (۱۵۱۴ میلادی) پرتغالی‌ها به فرماندهی آلبوکرک، جزیره هرمز را در خلیج فارس به چنگ آوردند و کمی بیش از صد سال آنجا را در دست داشتند و این منطقه تبدیل به یکی از مراکز بازرگانی مهم آنها گردید. تا اینکه در روزگار شاه عباس اول صفوی در سال ۱۰۳۱ ه. ق (۱۶۲۲ میلادی) دست پرتغالی‌ها از آن جزیر و بندر گمبرون (بندر عباس) کوتاه گردید. محققان معاصر بر این باورند که آشنایی ایرانیان و هندی‌ها با تنباکو توسط همین پرتغالی‌ها بوده است. (پورداد، ۱۳۲۸: ۱۹۷) البته شواهدی نیز وجود دارد که بر خلاف این نظر است. پیترو دل‌واله جهانگرد اروپایی که می‌کوشید شاه عباس اول صفوی را ترغیب به جنگ بر ضد عثمانی نماید، معتقد است که ایرانیان، تنباکو را در اواخر قرن شانزدهم میلادی از هند دریافت کرده‌اند. (دل‌واله، ۱۳۸۰: ۱۹۹) این نظر از دید پورداد پنهان نمانده است. (پورداد، ۱۳۸۰: ۱۹۹)

### تنباکو

برخی از محققان بر این باورند که تنباکو از جانب عثمانی به ایران راه یافت. دلایل این گروه در نظر اول محکم می‌نماید، اولاً عثمانی‌ها در آن دوره از کنار دریای خزر تا خلیج فارس با ایران همسایه بودند؛ ثانیاً آمیزش و آشنایی ایران و عثمانی بسیار دیرپای‌تر از آشنایی ایران و اروپا است؛ ثالثاً آلت تدخین مورد علاقه ایرانیان یعنی چپق بیشتر شبیه آلت تدخین عثمانی‌هاست و در نهایت این محققان واژه توتون را از ریشه ترکی و به معنای دود دانسته و درباره ریشه واژه چپق نیز دخالت زبان ترکی را بی اثر نمی‌دانند. (کسروی، ۱۳۳۵: ۱۶)

از نوع استدلال کسروی می‌توان به شکل دیگری بهره برد، نزدیکی ایران و هند، چه از لحاظ تجاری و چه از لحاظ سیاسی، دست کمی از ارتباط ایران و عثمانی نداشته است؛ (طاهری، ۱۳۸۳: ۲۴۶) البته گفته کسروی زمانی پررنگ‌تر می‌شود که بدانیم شوالیه شاردن نیز با او هم عقیده است. (شاردن، ۱۳۳۵: ۵۲۸)

نکته بسیار مهم‌تری که از سفرنامه این محقق درک می‌شود، اشاره دقیق وی به مناطق کشت تنباکو در ایران عصر صفوی است. وی معتقد است که تقریباً در سراسر ایران تنباکو کشت می‌شود، اما بر این باور استوار است که بهترین تنباکوی ایران در ناحیه سوزینان (خوزستان کنونی) و در کناره‌های خلیج فارس می‌روید. (همان، ۵۱)

سایر جهانگردان دوره صفوی از مناطق دیگری نیز نام می‌برند، یکی از آنان بر این باور است که بیشترین مقدار توتون ایران از نواحی بغداد، بابل و کردستان تهیه می‌شود. (اولئاریوس، ۱۶۳ : ۲۷۳) جان استریوس، جهانگرد اروپایی دیگر، از ناحیه‌ای به نام ساوه نام می‌برد که به احتمال زیاد همان ساوه کنونی است (ویلیم فلور، ۱۳۸۴ : ۳۷). تمام این سخنان حاکی از گستردگی مناطق کشت تنباکو در ایران عصر صفوی است. از دیگر نکات مورد توجه - که از دید سیاحان دوره صفوی پوشیده نمانده است - طرز منحصر به فردی است که کشاورزان ایرانی برای عمل‌آوری تنباکو دارند. ایرانیان توتون را خشک کرده و به شکل برگ در جعبه‌های متوسط قرار می‌دهند. توتون هنگامی به خوبی خشک شده است که رنگ برگ خزانی به خود بگیرد. ایرانیان بر خلاف اروپایی‌ها، برگ توتون را پیچ و تاب نمی‌دهند و خلل و فرجش را خالی نمی‌سازند. این عمل موجب تندی بسیار و شدت قوت تنباکو می‌گردد و به مانند تنباکوی برزیلی قوی و تند می‌شود، ولی ایرانیان این خاصیت را خواستار نیستند و می‌خواهند در تمام ساعات روز دود کمتر، به علاوه بو و دود تنباکو تابیده برزیلی را بسیار بد می‌دانند. ایرانیان به این نوع تنباکو، تنباکوی انگلیسی گویند و این نامگذاری به آن دلیل است که نخستین اروپاییان معتاد به تنباکو که ایرانیان با آنان به تجارت پرداختند انگلیسی‌ها هستند. در حدود پنجاه سال پیش، انگلیسی‌ها تنباکوی برزیلی را در ایران می‌فروختند، ولی چون ایرانیان آن را خیلی تند و بسیار گران یافتند، از استعمالش خودداری کردند. بعضی اشخاص که دوست دارند با تنباکو مست گردند، مقداری خشخاش دانه با آن مخلوط می‌کنند، بخار آن به مغز می‌رود و در مدت کوتاهی انسان را بی‌فکر می‌کند. (شاردن، ۱۳۳۵ : ۵۲)

همین جهانگرد اظهار نظر جالبی درباره آلت تدخین ایرانیان دارد: طرز استعمال تنباکو در نزد ایرانیان برای اروپایی‌ها غریب است. هوای ایران بسیار گرم‌تر و خشک‌تر از هوای اروپا و ترکیه است؛ بنابراین این نوع استعمال تنباکو در ایران دارای قواعد خاص خود است. چون اگر قرار بود به شیوه ما پیپ استعمال کنند، سرگیجه می‌گرفتند. ایرانیان دود را از تنگ آب عبور می‌دهند که آن را قلیان می‌نامند، بالای بطری سرچقی که سفالی یا فلزی است به وسیله لوله‌ای که منتهی الیه آن داخل آب تعبیه گشته است. در زیر کوزه قلیان چهار پایه‌ای وجود دارد که شبیه پایه بعضی شمعدان‌ها است.

هنگامی که میل تدخین دارند، اندکی تنباکو را که بسیار ریز و ساییده شده، خیس می‌کنند و در سر قلیان قرار می‌دهند. بطری قلیان را برای حسن نظر مملو از گل می‌نمایند. (همان، ۵۴) آب قلیان جنبه دارویی نیز داشته است و از قی‌آوری شدید آن برای تحریک مخاط معده کسانی که با خوردن سم اقدام به خودکشی می‌کردند، بهره برده می‌شده است. (همان، ۵۴) همین جهانگرد ذکر می‌کند که ایرانیان علاقه‌ای به جویدن یا به بینی کشیدن تنباکو ندارند و فقط آن را دود می‌کنند. (همان، ۵۵)

شغل قلیان‌داری نیزه از جمله رسومی است که حول محور تنباکو در این دوره شکل یافته است. غالباً هر یک از افراد متمکن و یا مقامات، دارای قلیان‌دار بوده‌اند؛ زمانی که فرد مزبور سوار اسب بوده، قلیان‌دار، قلیان وی را حمل می‌کرده است و هرگاه وی میل به تفرج داشته، بساط قلیان کشیدن را برای وی پهن می‌کرده است. گاه سواران در همان حالت سواره اقدام به کشیدن قلیان می‌کردند. (همان، ۲۳۲) نکته جالب توجه، استعمال وافر قلیان در مدارس است تا بدانجا که کشیدن قلیان توسط شاگردان در مقابل استاد، ظاهراً ایرادی نداشته است (همان، ۵۵). محقق، علاقه ایرانیان به تنباکو را آن‌چنان می‌داند که معتقد است در ماه مبارک رمضان آنچه ایرانیان را شکنجه می‌دهد، عدم استعمال تنباکو است و نه گرسنگی و تشنگی. وی به زردی روی و ضعف بدنی استعمال‌کنندگان تنباکو اشاره دارد، اما می‌گوید اینان تنها دلخوشی خود را استعمال تنباکو می‌دانند. (همان، ۵۶) یکی از محققان به تفاوت میان تنباکوی استفاده شده برای قلیان و نوع استفاده شده برای چپق اشاره دارد. برای استفاده تنباکو در قلیان ابتدا آن را در آب خیسانده، در یک پارچه نازک ریخته، فشار می‌دهند. به این ترتیب گرد و خاک توتون گرفته می‌شود؛ سپس آن را بر سر قلیان می‌گذارند. (لوبون، ۱۳۳۴: ۴۷۰)

چپق نیز از آلات تدخین محبوب ایرانیان است. (شاردن، ۱۳۳۵: ۲۳۳) جزء اصلی مهمانی ایرانی مصرف تنباکو است که این عمل در حین شنیدن قصه‌های شیرین عشقی و یا حماسی صورت می‌پذیرد، عموم مهمانی‌ها از صبح تا شام طول می‌کشد. (همان، ۲۵۸) جهانگردی دیگری از علاقه وافر کارگران ایرانی به خرید و استعمال تنباکو یاد می‌کند. وی در ادامه می‌گوید: شاه صفی گاهی مصرف تنباکو را منع می‌کند، اما علاقه ایرانیان سبب می‌شود این منع مصرف تنها چند روز دوام آورد، زیرا تنها شهر اصفهان هر ساله مبلغ چهل هزار تومان و تبریز بیست هزار تومان و شیراز دوازده هزار تومان به عنوان خراج تنباکو به شاه می‌پردازند. (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۱۹۹)

سپس تاورنیه حکایتی تأثر برانگیز از یکی از روزهایی که شاه صفی اقدام به منع مصرف تنباکو کرده بود ذکر می‌کند. دو تاجر هندی که دستور فوق را نشنیده بودند، اقدام به مصرف تنباکو می‌نمایند و با وجود سعی سایر تجار برای خلاصی ایشان، به بدترین وضع ممکن به قتل می‌رسند. (همان، ۲۰۰) تا تاورنیه که مدت‌ها در ایران به سر آورده است، حکایت تأثر برانگیز دیگری از قطع قسمتی از زبان قلیان‌داربازی شاه عباس دوم به سبب تندری رفتار این فرد در هنگام آماده‌ساختن قلیان شاه، ذکر می‌کند. (همان، ۲۱۱) در مقابل این حکایت تأثر برانگیز شاردن حکایت طنزی از تعریف و تمجید اطرافیان شاه عباس اول هنگام کشیدن فضولات اسب به جای تنباکو، از تنباکوی مصرفی در دربار ذکر می‌کند، شاه عباس اول این حرکت را در مخالفت با مصرف تنباکو که سبب ضعف بدنی و تنگی نفس نظامیان می‌شد انجام داده بود. (شاردن، ۱۳۳۵: ۵۶)

از این دو منبع مهم تاریخ اجتماعی ایران در دوره صفوی، به قطع می‌توان حضور منصب قلیان‌دار باشی در دربار صفوی را نتیجه گرفت. حضور تنباکو و قلیان در قصه‌های اهل فتوت و داستان‌های نقلی در این زمان، پر رنگ و چشم‌گیر است. قهرمانان این‌گونه داستان‌ها همگی به صفات فوق‌العاده بدنی توصیف

می‌شوند، اما در جای جای اثر، به قهوه‌خانه رفته و قلیان می‌کشند. (ایرج افشار، مهران افشاری، ۱۳۸۶ : ۳۲۲)

از توجه گسترده این‌گونه متن به قلیان شاید بتوان نتیجه گرفت که این نوع روش تدخین محبوب‌تر از استفاده از چپق بوده است. برخی از محققان معاصر از سفرنامه‌های اروپاییان چنان استنباط می‌کنند که قلیان نه در نزد عثمانی موجود بوده و نه در نزد اروپاییان؛ بنابراین معتقد هستند این وسیله ساخت ایرانیان است. (کسروی، ۱۳۳۵: ۱۸) محقق دیگری بحث مفصلی درباره نام اجزای قلیان دارد. وی نام خود قلیان را برگرفته از زبان عربی و به معنای جوشش می‌داند و می‌گوید نام این وسیله در سوریه نفس و در هند حقه است و در ترکیه و عراق نارگیله نام دارد. (پور داود، ۱۳۸۰ : ۲۰۸)

باید گفت که سرودن شعر در باب تنباکو و دخانیات در این دوره رواج کامل داشته است. یکی از نشانه‌های این امر، توجه کاملی است که مؤلف کتاب ارزشمند *حداثی المعانی* به شاعرانی دارد که درباره تنباکو اقدام به سرایش کرده‌اند. وی که این کتاب را در سال ۱۲۶۱ هـ ق در هند نوشته است. در حدیقه چهارم از این اثر اشعار شعرای ایران در باب تنباکو و قلیان را ذکر می‌کند. اهلی شیرازی، صائب تبریزی و میرزاشفیعا از مهم‌ترین این شعرا هستند. (عبدالرحمن خان شاکر، ۱۹۲۰ : ۴۴۰)

از بهترین این اشعار، ابیاتی از اهلی شیرازی است:

قلیان ز لب تو بهره‌ور می‌گردد / نی در دهن تو نیشکر می‌گردد  
بر گرد رخ تو دود تنباکو نیست / ابری است که برگرد قمر می‌گردد

(همان، ۴۴۱)

در پایان ذکر این نکته لازم است که بسیاری از محققان قلیان را از ساخته‌های ایرانیان می‌دانند، اما در برخی منابع در باب تولید کوزه قلیان در جمهوری ونیز و انتقال آن به ایران سخن رفته است. (شاردن، ۱۳۳۵ : ۳۵۱) با توجه به ارتباط گسترده سیاسی و تجاری بین ایران و جمهوری ونیز که از مدت‌ها پیش در دوره حکومت ترکمانان آق‌قیونلو برقرار شده بود (طاهری، ۱۳۸۳ : ۵۰) چنین ادعایی چندان دور از ذهن نیست.

## افیون

از قدیمی‌ترین انواع افیون که متأسفانه مصرف آن در دوره صفوی از رواج کامل برخوردار بوده است می‌توان به تریاک اشاره کرد. اصل این واژه از کلمه یونانی تریاکا اخذ شده است. از اولین مکتوباتی که درباره تریاک دارای مطلب است می‌توان به الواح سومری اشاره کرد که در آنها درباره چگونگی برداشت و تهیه شیره تریاک مطالبی ذکر شده است در این الواح شیره خشخاش جیل (Gil) نامیده شده که به معنای لذت و خوشگذرانی است و معادل لاتین آن Joy است. (باصری، ۱۳۸۶ : ۵۷) در اوستا به صورت واضح نامی از خشخاش برده نشده است، اما بنگ به عنوان گیاهی اهریمنی معروف بوده و استفاده از آن در دین زرتشت

شدیداً نکوهش شده است. (قربان حسین، ۱۳۶۸: ۱۴۵)

از اولین پزشکان اسلامی که درباره خواص مختلف تریاک سخت گفته‌اند، می‌توان به ابو علی سینا و رازی اشاره کرد. (دهخدا، ۱۳۴۳: ۶۴۵) به دلیل قدمت تریاک شاید نتوان به دقت زمان ورود آن به ایران را مشخص کرد، احتمالاً این ماده مخدر با هجوم اعراب به ایران در قرن اول هجری از مصر و عربستان وارد ایران شد. در این زمان تریاک نه به عنوان ماده مخدر، بلکه بیشتر برای تسکین درد مورد استفاده قرار می‌گرفت این ویژگی منحصر به فرد در زمان جنگ‌ها و مخصوصاً برای سربازانی که اعضای بدن خود را از دست می‌دادند، از تریاک ماده‌ای حیاتی ساخته بود. همچنین به دلیل کویری بودن ایران و وجود فراوان جانوران زهردار در این سرزمین، تریاک به عنوان پادزهری موثر از اهمیت فراوان برخوردار بود. (فلسفی، ۱۳۴۷: ۲۷۱)

ماده اصلی تریاک، خشخاش، گیاهی از شیره کوناریان است. که دارای ساقه باریک و برگ‌های طولیل درشت و مفرس است. گل‌های آن سفید و ارتفاعش به یک متر بالغ می‌شود میوه خشخاش به شکل حلقه است و پس از ریختن برگ‌ها و گل در سر شاخه آشکار می‌شود. وسط آن پر از دانه‌های ریز سفید است. پوسته غوزه خشخاش را پس از رسیدن با تیغه مخصوص خراش می‌دهند. (معین، ۱۳۸۶۵: ۱۴۲۲). از غوزه خشخاش ماده سیال غلیظ و چسبنده‌ای تراوش می‌کند که پیش از طلوع آفتاب در سپیده دم به جمع‌آوری آن شتاب می‌کنند. عصاره خشخاش را هر قدر که خارج شود، به صورت حبه جمع‌آوری می‌کنند و در نهایت سر گیاه خشخاش خشک و سیاه می‌شود و ساقه و تخمش نیز چپین می‌گردد. (شاردن، ۱۳۳۵: ۲۸۲) کشت خشخاش در ایران دوره صفوی در بلوک لنجان نزدیک اصفهان و نیز به دلیل داشتن هوای گرم و آب کافی در برخی قسمت‌های استان فارس و منطقه کازرون رواج داشته است. وجه تسمیه خشخاش از بانگ کاغذ و جامه نو و صدا کردن هر چیز خشک است. (پور داود، ۱۳۸۰: ۱۱۵) شاردن درباره کیفیت خشخاش ایران می‌نویسد: بهترین خشخاش ایران در بلوک لنجان به دست می‌آید. در شش فربنگی اصفهان و بسیاری از دشت‌ها و دامنه‌های آن، مشحون از این نبات است، اما بعضی افراد افیون کازرون را که در حوالی ساحل خلیج فارس می‌روید عالی‌تر می‌دانند و می‌گویند افیون اصفهان مایه خامی و موجب ترشحات استسقایبی است، در صورتی که محصول کازرون از این عیوب عاری است. (شاردن، ۱۳۳۵: ۴۹) احتمالاً در اطراف شهر اصفهان در این دوره زمانی خشخاش کشت می‌شده است، اما سطح زیر کشت آن کمتر از منطقه کازرون بوده است. (گرس، ۱۳۷۰: ۳۶۳) مصرف تریاک در دوره صفویه به صورت خالص نادر بوده است. چون غالب مصرف این ماده به صورت خوراکی بوده بیشتر از محصولات فرعی گیاه خشخاش یعنی چرس، فلونیا و کوکنار استفاده می‌شده است. خود تریاک به دو نوع فاروق و هاشم بگی تقسیم می‌شده است. تریاک‌هاشم بگی را به صورت حب استعمال می‌کردند، اما بیشتر در منابع این دوره از تریاک فاروق نام برده شده است. دهخدا تریاک فاروق را مرغوب‌ترین نوع این ماده می‌داند. مصرف این نوع از مخدر آن چنان عادی بوده که وارد فرهنگ ادب عرفانی ایران نیز شده است. در این گفتمان تریاک بیشتر دارای معنای مثبت است و این امر برخاسته از خاصیت پادزهر بودن تریاک است.

### عطار می گوید:

از آن بر خویشتن زهر آزمودی      که صد تریاک فاروقیش بودی

(دهخدا، ۱۳۴۳: ۶۴۵) تریاک فاروق آواره خویش را مدیون محل کشت خود است. فاروق یکی از دهات بلوک مرو دشت فارس بوده است که به دلیل آب و هوای مساعد برای رشد این گیاه تبدیل به بزرگ‌ترین مرکز کشت خشخاش شده بود. (خورموجی، ۱۳۸۰: ۹۱)

شاردن به علاقه وافر ایرانیان نسبت به این ماده مخدر اشاره دارد و می‌گوید این علاقه برخاسته از مناظر عجیبی است که پس از مصرف در مقابل دیدگان افراد ایجاد می‌شود؛ همچنین دماغ وی کوک شده و فرد سرخوش می‌شود، وی اثر این دارو را در حدود چهار ساعت می‌داند و معتقد است پس از این مدت، فرد دچار حالت افسردگی شدید شده و به مصرف مجدد نیازمند می‌شود (شاردن، ۱۳۳۵: ۴۸). به نظر می‌رسد حکومت صفوی چندان دخالتی در تولید این نوع مخدر نداشته است. تولید این محصول کاملاً در ید کشاورزان بوده و بخش فروش در اختیار عطاران قرار داشته است. این ماده در دوره صفوی همچون زردچوبه و فلفل به صورت عادی در تمامی عطارهای موجود بوده است. (شاردن، ۱۳۵۵: ۴۸)

در باب اعتیاد خود عطارها به تریاک منبع موثقی در دست نیست، جز آنچه در احوال شاعری به نام میر جزمی ذکر شده است. همان‌گونه که می‌دانیم شعر عصر صفوی به دلیل کم‌توجهی پادشاهان این سلسله به شعرا از حدود دربار بیرون آمده و در میان صاحبان حرف مختلف جاخوش کرده است. (میر احمدی، ۱۳۶۳: ۷۶). شعرای این دوره که غالباً عطار و قصاب و طباطبائی بوده‌اند؛ گاه برای کوباندن رقیب خویش در اشعار خود، شدیداً اقدام به ذم وی می‌کردند. میر جزمی که یکی از این شاعران است، در عین اشتغال به شعر، به حرفه عطاری می‌پرداخته بود وی برای دور ماندن از ذم رقبای خویش، مجالس تشکیل داده، خود در میان جمع شاعران نشست و با تریاک مفصل از آنها پذیرایی شایانی می‌کرده است. (صادقی کتابدار، ۱۳۲۷: ۸۶). یکی از محققین معاصر بر این باور است که تجارت سرشار ابریشم در این دوره مانع از توجه دولت به تجارت تریاک می‌شده است و غالب تریاک تولیدی دارای مصرف داخلی بوده است. (مؤمنی، ۱۳۸۹: ۱۷) اما متداول‌ترین شکل مخدر در دوره صفوی کوکنار است. مصرف این ماده به قبل از صفویه باز می‌گردد، چنان‌که در شعر شعرای پیش از صفویه به آن اشاره رفته است.

شخص هاشان برده از خلقت نهاد نارون      مغزهاشان خورده از غفلت شراب کوکنار  
(سعد سلمان، ۱۳۶۲: ۲۲۵).

کوکنار را در فارسی اپیون و در عربی افیون گویند که مأخوذ از واژه یونانی (opion) است. به احتمال زیاد خاستگاه اولیه کوکنار، سرزمین باستانی مصر است. احتمالاً اولین کاربرد این ماده در مصر باستان برای تحمل درد به هنگام جراحی بوده است. در پایپروس‌های مصری مورخ ۱۵۵۲ قبل از میلاد که در اواخر قرن نوزدهم کشت شد، نام شیره کوکنار به عنوان عصاره‌ای دارویی ذکر شده است. ورود این ماده به ایران احتمالاً توسط لشکریان مسلمان در قرون اولیه اسلامی بوده است. (پورداد، ۱۳۸۰: ۱۱۶)



در قرون اولیه اسلامی نیز، اوج مصرف آن را در مصر می‌بینیم (لبون، ۱۳۳۴: ۴۷۰) می‌دانیم که دو پزشک بزرگ ایران، محمد بن زکریای رازی و ابن سینا هر دو در باب کوکنار اظهار نظر کرده‌اند، اما هیچ دلیل قطعی مبنی بر مصرف این ماده پیش از صفویه در دست نیست. (طاهری، ۱۳۸۳: ۳۹۸)

در دوره صفوی، دو روش عمده برای تهیه نوشیدنی کوکنار در دسترس بود. روش گران‌قیمت که غالباً درباریان مشتری آن بودند و روش ارزان که برای توده مردم در دسترس بود.

به دلیل ازدواج‌های مکرر درون‌خاندان‌های منتسب به دربار که مهم‌ترین راه‌کار حفظ قدرت و ثروت برای این طبقه بود، غالب شاهزادگان و بزرگان از مشکلات عدیده‌ای که به سبب این‌گونه ازدواج در طولانی مدت بر نظام بدنی آنها غالب می‌آمد، در رنج بودند. یکی از این مشکلات، کم‌توانی جنسی بود. اگر این مشکل را به زندگی پر عیش این طبقه درون حرم‌سراهای تو در تو اضافه کنید، در می‌یابید که وظیفه رفع کم‌توانی جنسی و افزایش تمایل این طبقه بر عهده اطبا بوده است. یکی از داروهای مورد علاقه اطبای این دوره همین ترکیب کوکنار است. این قسم از کوکنار ترکیبی است از ماده مخدر اولیه به علاوه عطرها و خوش طعم و البته گران‌قیمت همچون مشک و عنبر که گاه به شکل حب در می‌آمده و در صورت تمایل درباری به نوشیدن آن با انواع شکوفه‌های معطر چون شکوفه سیب و گیلاس و بهار نارنج مخلوط شده، سپس پوسته خشخاش را در مایع مذکور خوابانده تا نرم شود و پس از آن قند اضافه نموده، تجویز می‌کردند. اما برای نوع عادی آن تنها به جوشانده گیاه شقایق کوهی و حبه خشخاش اکتفا می‌شد. (مؤمنی، ۱۳۸۹: ۱۸)

شاردن به علاقه وافر ایرانیان به این نوع نوشیدنی اشاره دارد. تهیه این ماده در مکانی که تنها برای عرضه همین محصول وجود داشته به نام کوکنار خانه صورت می‌گرفته است. بدن‌های سازندگان کوکنار نحیف و مرتعش و رنگ رخسار آنان زرد بوده است. (شاردن، ۱۳۳۵: ۴۸) شاردن معتقد است مصرف غذا در بین ایرانیان کمتر از غربیان است. وی سه دلیل برای این مسئله ذکر می‌کند. اول مصرف تنباکوی فراوان که اشتهای ایرانیان را از بین می‌برد، دوم منع مصرف مسکرات که از دید وی اشتهای‌آور است و سوم نوشیدن فراوان کوکنار که عادت همیشگی ایرانیان است. (همان: ۲۳۳)

کمپفر پارا از این حد فراتر می‌نهد، او معتقد است تعداد زیادی از ایرانیان آن‌چنان گرفتار کوکنارند که بدون آن حیات برای ایشان ناممکن است. (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۹)

در باب عوارض مصرف این ماده باید گفت در ابتدا پس از چند فوجان نوشیدن، فرد شدیداً تند خود و پرخاشگر می‌شده است؛ البته به دلیل ضعف بدنی این افراد، هیچگاه کار به درگیری جسمی نمی‌کشیده است. پس از ساعتی، مغز فرد تحت تأثیر ماده مخدر پر از حالات خوش می‌شد و قوای جنسی وی تحریک می‌گشت، در این حالت فرد به بذله‌گویی می‌پرداخت، اما این وضع ساعتی بیش دوام نداشت و پس از آن شخص شدیداً افسرده و خمود می‌شد. (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۱۲) استعمال مکرر این ماده مخدر سبب کند ذهنی فرد و بی‌توجهی او به هر چیزی غیر از کوکنار می‌شد. استفاده فراوان شاهزادگان صفوی از این ماده عملاً قدرت پادشاهی را زمان به سلطنت رسیدن آنان، از ایشان سلب می‌کرد و باعث پیری زوردرس و عمر کوتاه

آنان می‌شد. (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۹۰)

متأسفانه ایرانیان انواع خرافات و باورهای نادرست را حول محور این مواد مخدر شکل داده بودند. به عنوان مثال هنگام برداشت شیر خشخاش دوازده زخم به غوزه گیاه وارد می‌آوردند تا به خلسه ایجاد شده در این مخدر، جنبه الهی ببخشند (شاردن، ۱۳۳۵: ۴۹). به غیر از جنبه مذهبی ایرانیان جنبه ملی را نیز توجیه گر استفاده از این ماده می‌دانستند، در نظر آنان اولین کسی که برداشت شیر خشخاش را آغازید فریدون بود. (پورداد، ۱۳۸۰: ۱۱۱) باید دانست که کشیدن تریاک چندی پیش مرسوم شده است و در روزگار صفوی بیشتر آن را می‌خورده‌اند. (همان: ۱۱۹)

در دوره صفوی از جوشاندن غوزه خشخاش و ترکیب آن با عسل، دارویی به نام نعوق می‌ساختند این دارو به شکل آب نبات تهیه می‌شده و برای درمان سرفه و گرفتن رطوبت از بدن و شش‌ها و برای درمان اسهال مزمن مفید بوده است. همچنین برای درمان گوش دردهای شدید از محلولی متشکل از آمیخته تریاک و روغن بادام و زعفران و مورد بهره می‌بردند. (اعلم، ۱۳۸۶: ۲۶۵) حکما به سه نوع خشخاش اعتقاد داشتند. یکی از مهم‌ترین اطبای دوره صفوی در اثر خود خشخاش را به سه دسته سفید، سرخ و سیاه تقسیم کرده و مبنای این تقسیم وی رنگ گل‌های این گیاه بوده است. وی بهترین نوع خشخاش را سفید رنگ، معتدل‌ترین نوع را سرخ رنگ و قوی‌ترین نوع را سیاه رنگ دانسته است. (حکیم مؤمن تنکابنی، ۱۳۲۰: ۳۴۴) بنگ نیز از مخدرات رایج این عصر است این ماده احتمالاً از دم کرده حبه خشخاش با شاه دانه کنب و کچوله ساخته می‌شده است. بنگ مخدری بسیار قوی بوده است (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۲۹۱) بنگ لغتی بسیار کهن سال و اصالتاً فارسی است و هنوز هم به همان شکل قدیم خود پا برجاست. (پورداد، ۱۳۸۰: ۹۳) بهترین توضیح درباره کنب و کچوله را ابن بیطار در کتاب جامع‌المفردات ادویه آورده است. وی در این اثر از کنب به نام قنب الهندی یاد می‌کند. وی محل کشت گیاه را مصر می‌داند. این گیاه که مخدری بسیار قوی است، متعلق به طبقه فقیر مصر بوده. برخی آن را به صورت خالص و برخی دیگر همراه شکر و کنجد مصرف می‌کردند. (ابن بیطارف ۱۳۹۱ هـ ق: ۳۹) هندی‌ها معمولاً بنگ را به خورد مجرمین سیاسی می‌دادند که مایل به کشتن آنها نبودند یا به جای کور کردن شاهزادگان از این روش برای مهار کردن آنان بهره می‌بردند. (شاردن، ۱۳۳۵: ۲۸۷)

بنگ در ایران غالباً برای افزایش میل جنسی توصیه می‌شده است. (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۲۹۲) الوناریوس درباره موقعیت اجتماعی پست بنگیان در اثر خود سخن می‌راند، مردم به این دسته به دیده تحقیر می‌نگریستند و آنان را با القاب پست می‌نامیدند. (همان، ۲۹۲)

مصرف بنگ در دوره صفوی آنچنان سبب بی‌آبرویی بود که گاه از آن به عنوان تهمت سیاسی بهره می‌بردند. اسکندر بیگ ترکمان مورخ رسمی دربار صفویه هر گاه از شورش قلندر و دراویش بر ضد حکومت مرکزی یاد می‌کند، تهمت بنگی بودن را بر این گروه وارد می‌آورد. در زمان سلطنت سلطان محمد خدا بنده از شورش شخصی در کهگیلویه به نام اسماعیل میرزا یاد می‌کند که در کسوت قلندری و درویشی بوده است. مورخ بارها وی را بنگی خطاب می‌کند. (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۳۴: ۲۷۹) از گفتار این مورخ

و سایر مورخان این عهد می‌توان به ارتباط مستقیم میان قلندران و دراویش بامواد مخدر پی برد. (میر احمدی، ۱۳۶۳: ۹۴) از گفتار جهانگردان چنان بر می‌آید که چرس نیز از مواد مورد علاقه ایرانیان در این دوره بوده است. تاورنیه کامل‌ترین توضیحات را درباره چرس در اثر خود آورده است، ازبکان از اندک زمانی پیش، طریق کشیدن این ماده را به مانند تنباکو در ایران معمول کردند. این گیاه گل و به عبارت دقیق‌تر رشته‌های ظریف پنبه‌ای شکل است که روی بوته‌های مزرعه شاه دانه یافت می‌شود. از عوارض مصرف این ماده مخدر یکی هم آن است که در مغز فرد خیالات واهی ایجاد می‌کند و گاهی او را شاد و گاهی خشمگین می‌نماید، کسانی که آن را مصرف می‌کنند، تا دو سه ساعت از خود بیخود می‌شوند، مصرف چرس در دین اسلام و فقه معمولی عصر صفوی حرام است. (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۱۲)

به نظر می‌رسد متصوفه کشف بنگ و سایر مخدرات را با داستان‌هایی افسانه‌گون به بزرگان خود نسبت می‌دهند، بسیاری از متصوفه کشف بنگ را به شیخ حیدر زاوگی (متوفی به سال ۶۱۳ هـ.ق) نسبت می‌دهند این شیخ همان است که شهر تربت حیدریه به عنوان مدفن وی معرفی شده است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۱۵) شاید گروه معروف حیدری‌ها در دوره صفوی که با جنگ با گروه نعمتی‌ها شناخته می‌شدند، (وابستگان شاه نعمت الله ولی) نام خود را مدیون این شیخ باشند. گرچه احتمال می‌رود نام اینها از نام شیخ حیدر نیای صفویه گرفته شده باشد. (امیری، ۱۳۴۹: ۴۴۵) اما اگر این گروه را منتسب به نیای صفویه بدانیم، بی‌تفاوتی شاه عباس در تماشای زد و خورد این دو گروه با هم عجیب و غیر قابل باور می‌نماید.

محققان در باب علت رواج گسترده مخدرات در ایران صفوی دلایلی ذکر کرده‌اند. شاید سخت‌گیری‌های شدید مذهبی زمان شاه طهماسب که مانع از تهیه شراب می‌شد، یکی از این دلایل باشد. اگر چه این سخت‌گیری‌ها در دوره شاه اسماعیل دوم لغو شد، اما سلیقه مردم بر اثر سلطنت طولانی شاه طهماسب بیشتر با مخدر خو گرفته بود (میر احمدی، ۱۳۶۳: ۵۰) (شاردن، ۱۳۵۳: ۴۸) اضطراب شدید حاصل از مشاغل سخت ملک‌داری و همچنین ناامنی فراوانی که هر یک از سران و شاهزادگان در قبال تعامل خود با پادشاه حس می‌کردند یکی از دلایل گرایش طبقه خواص به انواع مخدرات بوده است (شاردن، ۱۳۳۵: ۴۸) این قضیه آنجا رخ می‌نماید که گاه برخی بزرگان دربار با تریاک اقدام به خودکشی می‌کردند تا از سرایت عواقب تنبیه خود توسط شاه به خاندانشان جلوگیری کنند، فرستاده شاه عباس به انگلستان به نام نقد علی بیگ از این دست افراد است (برادران شرلی، ۱۳۶۲: ۱۴۹)

از جمله معتادان معروف دوره صفوی سلیمان میرزا پسر شاه طهماسب و خادم حرم امام رضا (ع) است. با وجود کوشش پادشاه، سلیمان میرزا هرگز موفق به ترک نشد شاه اسماعیل دوم که در اوان جوانی شاهزاده‌ای جنگاور و دلیر بود نیز زمان رسیدن به سلطنت روی به مصرف گسترده مخدر آورد و مرگ وی نیز احتمالاً با مصرف مخدر مسموم شده همراه بوده است. (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۳۴: ۲۱۸) باورهای عادی مردم و طرز زندگی آنان نیز در رواج انواع مخدر نقش عمده داشته است، از کتب تاریخ قدیمی مستفاد می‌شود که در مشرق زمین همیشه بعد از مصرف غذا جبه شقایق سفید را به صورت بوداده مصرف می‌کردند تا بتوانند به خواب راحتی روند بعضی نیز این مخدر را دود می‌کردند. (شاردن، ۱۳۳۵: ۲۶۳)

برخی از مردم معتقد بودند با خوردن کوکنار دل و جرئت پیدا کرده، ترس از آنان دور می‌شد. (هربرت، ۱۹۲۸: ۲۶۲) با وجود اینکه غالباً معتادان از جایگاه پستی برخوردار بودند و از جامعه طرد می‌شدند و باز با وجود تلاش‌های برخی از پادشاهان صفوی چون شاه عباس اول برای ترک دادن افراد معتاد (پارسادوست، ۱۳۸۸: ۷۶۵) و همچنین مخالفت شدید شرع مقدس با مصرف برخی از مخدرات چون بنگ (اصفهانی، ۱۴۰۷: ۴۳۲) متأسفانه این بلای خانمان برانداز در جامعه عصر صفوی رواج نسبتاً زیادی داشته است. تا آنجا که نگارنده این سطور ادعا می‌کند که شاید بتوان گفت یکی از دلایل سقوط بسیار ساده و کم‌درگیری پایتخت صفویه در دوره شاه سلطان حسین، توسط دسته‌ای که دارای قوای نظامی قدرتمند متحد نبودند خواب غفلتی است که به سبب مصرف این‌گونه مخدرات، جامعه ایرانی را در بر گرفته بود. مصرف کوکنار آنچنان در جامعه ایران متداول شده بود که حتی وارد متون داستانی این دوره گشته بود. حسین کرد شبستری پهلوان داستان حسین نامه همراه بسیاری دیگر از زورمندان و پهلوانان ایران در جای جای داستان اقدام به کیف خوری در تکیه‌ای که محل اقامت آنان است می‌کند (ایرج افشار، مهران افشاری، ۱۳۸۶: ۱۰۳) در حالی که قهرمان داستان دوره صفوی به کیف خوردن می‌پردازد از مردم عادی کوچه و بازار چه انتظاری می‌توان داشت؟

### نتیجه‌گیری

دوره صفوی از لحاظ سیاسی و اجتماعی، نقطه عطف مهمی در تاریخ ایران است؛ چنان که برخی از محققان بر این باور هستند که شروع تاریخ ایران معاصر با دوره صفوی گره خورده است، اما کج‌خیالی و ساده‌اندیشی خواهد بود اگر بر آن باور باشیم که تمامی این ابعاد دارای بار اجتماعی و معنوی مثبت بوده‌اند. باید دانست که بسیاری از وجوه به وجود آمده در تاریخ اجتماعی این دوران متأسفانه دارای ابعادی منفی و آسیب‌رسان به حیات اجتماعی بوده است.

با عنایت به مطالب فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مصرف دخانیات در ایران عصر صفوی، جزء لاینفک حیات اجتماعی بوده است و با توجه به گزارش‌های شاردن چنین می‌توان نتیجه گرفت که شاید اوضاع خوب مالی شهرها که پس از دوره شاه عباس اول فراهم آمده بود، خود به عاملی برای تن‌آسایی شهرنشینان بدل شده باشد؛ چنان که گفته شد، توجه به شعر و شاعری درون توده عادی جامعه که در بسیاری دوران‌ها مشقات زندگی، فرصت این‌گونه تفنن‌ها را از آنان می‌ربود، خود نمود این تن‌آسایی است. از دید دیگر، خشونت رفتاری بسیار از پادشاهان صفوی و عدم ثبات روانی آن‌ها که در پادشاهانی چون اسماعیل دوم و شاه سلیمان به وضوح دیده می‌شود، یکی از علل افزایش اضطراب روانی جامعه صفوی بوده است. اگر بپذیریم که عدم امنیت روحی و آسایش روانی خصوصاً در آنجا که مربوط به رفتار حاکمان با مردم می‌شود، یکی از علل گرایش جامعه به انواع آرام‌بخش‌ها است، باید گفت که اعتیاد در عصر صفوی، احتمالاً با جنس رفتار حاکمان بی‌ارتباط نبوده است.

از دیگر سو در جواب این سؤال که چرا پادشاهان خیرخواهی چون شاه عباس اول موفق به جلوگیری

کامل از این گونه مناهی نشدند، باید گفت که از گزارش سیاحان چنین برمی آید که تجارت سرشاری حول محور این گونه مواد در جریان بوده است، همان گونه که امروز هم مصداق دارد. زمانی که پای پول های کلان به میان می آید، عملاً قوانین کارایی خود را از دست می دهند. مضاف بر اینکه دلیلی در دست نداریم تا نشان دهد دربار صفوی خود از مصرف مخدر بری بوده است.

توجه به این نکته نیز ضرورت دارد، از سفرنامه سیاحان چنین بر می آید که داشتن میل جنسی خارق العاده چه بین عوام و چه بین درباریان، از آرزوهای جامعه ایرانی بوده است. در پاسخ گویی به این نیاز، جامعه اطبا راهی جز گرایش به تجویز مخدر نداشته اند. مهم ترین سؤال مطرح شده در ذهن مؤلف این سطور این است که چگونه قوای نظامی که در مدت اندکی موفق به شکست سپاه منسجم و قدرتمند ازبکان و پرتغالی ها شد، روند سقوط را آنچنان طی کرد که با توجه به دیده گاهای سیاحان غربی چون کروسینسکی، به راحتی و بدون هیچ مقاومت منسجم و سازمان یافته ای از سیاه افغان شکست خورد. آیا این امر ارتباطی با رواج گسترده مصرف مخدر در بین جوانان ذکور ایران این دوره داشته است؟

#### منابع به ترتیب حضور در متن

- پورداوود، ابراهیم، *هرمزد نامه*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
- شاردن، ژان، *سیاحت نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- اولناریوس، آدام، *سفرنامه آدام اولناریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران، اتکا، ۱۳۶۳.
- دلاواله، پیتر، *سفرنامه دلاواله*، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- کسروی، احمد، *تاریخچه قلیان*، تهران، اقبال، ۱۳۳۵.
- فلور، ویلم، «واقعیت یا خیال، مخاطره آمیزترین سفرهای یان استریوس»، مترجم فاطمه حاجی قاسم، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، دی و بهمن، ۱۳۸۴.
- تاورنیه، ژان باستیس، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۳.
- افشار، ایرج، افشاری، مهران، *قصه حسین کرد شبستری*، تهران، چشمه، ۱۳۸۶.
- شاکر، عبدالرحمن خان، *حدایق المعانی*، هند، بی نا، ۱۹۲۰ م.
- طاهری، ابوالقاسم، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- باصری، علی اکبر، *سیاست جنایی مواد مخدر*، تهران، خرسندی، ۱۳۸۶.
- قربان حسین، علی اصغر، *پژوهشی نو در مواد مخدر و اعتیاد*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- فلسفی، نصرالله، *چند مقاله تاریخی و ادبی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- گرس، ایون، *سفیر زیبا*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- خورموجی، جعفر خان، *نزهت الخبار*، تصحیح علی آل داوود، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

مصرف دخانیات در ایران عصر صفوی / همایون نوری پناه

- میر احمدی، مریم، دین و مذهب در ایران عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- صادقی کتابدار، تذکره مجمع الخواص، به کوشش عبدالرسول خیام پور، تبریز، اختر شمال، ۱۳۲۷.
- سعد سلمان، مسعود، دیوان مسعود سعد سلمان، اصفهان، کمال، ۱۳۶۲.
- لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمد تقی فخر، تهران، علمی، ۱۳۳۴.
- کمپفر، انگلیرت، سفرنامه کمپفر، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.
- ابن بیطار، جامع المفردات الادویه، قاهره، ۱۳۹۱ هـ.ق.
- امیری، منوچهر، سفرنامه ونیزیان در ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹.
- ترکمان، اسکندر بیک، تاریخ عالم آرای عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۴.
- شرلی، آنتوان، سفرنامه برادران شرلی، ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، تهران، نگاه، ۱۳۶۲.
- پارسا دوست، منوچهر، شاه عباس اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.
- اصفهان‌نی، حبیب، تذکره خط و خطاطان، ترجمه رحیم چاوش اکبری، تهران، کتابخانه مستوفی، ۱۳۱۵.
- Herbert T, Travels in Persia , George Routledge , sons ltd. 1928

